



دانشگاه خوارزمی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم سیاسی (گرایش روابط بین الملل)

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی نقش اسلام در تحولات خاورمیانه: (مطالعه موردی یمن)

از:

مجید اسدی

استاد راهنما:

دکتر سید امیر نیاکویی

استاد مشاور:

دکتر رضا سیمبر

اسفند ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

**پدر و مادر مهربان و دلسوزم که
در تمامی طول تحصیل همراه و
پشتیبانم بوده اند.**

تشکر ویژه:

از آقای دکتر سید امیر نیاکویی که در راه کسب علم و معرفت و اتمام این پایان نامه مرا یاری نمودند و از سایر اساتید بزرگوار بخصوص جناب دکتر سیمبر و جناب دکتر جانسیز که در طول دوران تحصیل یاور من بوده اند.

فهرست مطالب

عنوان

شماره صفحه

چکیده فارسی.....	ج
چکیده انگلیسی.....	ح

۱- فصل اول

۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- بیان مسئله.....	۳
۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق.....	۳
۴-۱- اهداف تحقیق.....	۴
۵-۱- سؤالات تحقیق.....	۴
۶-۱- فرضیه های تحقیق:.....	۴
۷-۱- پیشینه تحقیق.....	۴
۹-۱- تنگناهای تحقیق.....	۶
۱۰-۱- سازمان دهی تحقیق.....	۶

۲- فصل دوم

۱-۲- بخش اول.....	۸
۱-۱-۲- اسلام‌گرایی در خاورمیانه.....	۸
۲-۱-۲- تحلیل مفهومی بیداری اسلامی.....	۱۰
۲-۲- بخش دوم:.....	۱۱
۱-۲-۲- رویکردهای مختلف در باب تحولات منطقه.....	۱۱
۲-۲-۲- ریشه‌یابی قیام‌های مردمی خاورمیانه.....	۲۰

۳- فصل سوم

۱-۳- بخش اول.....	۲۵
۱-۱-۳- جغرافیای سیاسی یمن.....	۲۵

۲۶.....	۲-۱-۳-کالبدشکافی ساختار قومی و قبیله‌ای یمن
۲۷.....	۳-۱-۳-اوضاع اقتصادی _ اجتماعی جامعه یمن
۳۰.....	۲-۳- بخش دوم
۳۰.....	۱-۲-۳-روابط خارجی یمن
۴۰.....	۳-۳- بخش سوم
۴۰.....	۱-۳-۳-جامعه‌شناسی تحولات اخیر یمن
۴-فصل چهارم	
۴۴.....	۱-۴- بخش اول
۴۴.....	۱-۱-۴-اسلام‌گرایی در روند انقلاب یمن
۴۵.....	۲-۱-۴-زیدی‌ها و جنبش الحوثی
۴۸.....	۳-۱-۴-جنبش الحوثی
۵۰.....	۴-۱-۴-شیعیان زیدی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۵۲.....	۲-۴- بخش دوم
۵۲.....	۱-۲-۴-اخوان المسلمین
۵۳.....	۲-۲-۴-سلفی‌ها
۵۵.....	۳-۲-۴-صوفی‌ها
۵۵.....	۴-۲-۴-القاعده و گروه‌های جهادی
۶۰.....	۵-۲-۴-حزب سوسیالیست یمن
۵- فصل پنجم	
۶۳.....	۱-۵- نتیجه‌گیری
۷۰.....	۶- منابع فارسی:
۷۲.....	۱-۶- منابع لاتین

بررسی نقش اسلام در تحولات خاورمیانه: (مطالعه موردی یمن)

(مجید اسدی)

چکیده

امروزه تحولات رخ داده در خاورمیانه از مهم‌ترین و پر بحث‌ترین پدیده‌های رخ داده در جهان به شمار می‌آید. قیام‌هایی که جرقه‌ی آن در کشور آفریقایی تونس زده شد و پس از سرنگونی رئیس‌جمهور دیکتاتور این کشور، با سرعت عجیبی به دیگر نواحی منطقه مانند مصر، لیبی، بحرین، یمن و چند کشور دیگر تسری یافت. تا جایی که طی چند ماه دومینویی از اعتراضات و خیزش‌ها در خاورمیانه شکل گرفت و ملت‌ها به عنوان بازیگران اصلی این حوادث، برای سرنگونی رژیم‌های استبدادی حاکم بر کشورشان به پا خواستند. با توجه به حاکمیت اسلام بر این کشورها خواسته‌های اکثر معترضان ماهیت اسلامی به خود گرفت. به دلیل گسترده بودن دامنه تحولات رخ داده در منطقه، در این تحقیق تحولات رخ داده در کشور یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد. و همچنین تلاش می‌شود تا جایگاه اسلام‌گرایی و گروه‌های اسلامی در تحولات یمن مورد بررسی قرار گیرد. اگر چه جریان‌ات اسلام‌گرایی در منطقه دارای نحله‌های مختلفی از سلفی‌گرایی تا نوگرایی دینی می‌باشند ولی اسلام‌گرایی در تحولات یمن نقش بارزی داشته است. در این تحقیق تلاش می‌شود که بر نقش گروه‌های اسلام‌گرا مانند «الحوثی»، زیدیه، گروه‌های جهادی و سایر گروه‌های اسلامی حاضر در روند تحولات یمن مورد بررسی قرار گیرد. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع و اسناد مرتبط با این موضوع می‌باشد.

کلمات کلیدی: خاورمیانه، اسلام‌گرایی، یمن، زیدیه، الحوثی، سلفی‌گرایی

The Role of Islam in Middle East Transitions

(A Case Study in Yemen)

By: Majid Asadi

Abstract

Nowadays occurred transitions in the Middle East are considered as the most important and controversial occurred phenomena in the Muslim world. The uprisings that were sparked in Tunisia, an African country, and after the overthrow of the dictatorial president of country were accelerated with surprising speed to other areas of region such as Egypt, Libya, Bahrain and some other countries. So far that after several months the domino of protests and uprisings were formed in the Middle East and nations as the main players of events stood up to overthrow the authoritarian regimes governing the country. According to the Islamic sovereignty over these countries, most of the protesters' demands have taken Islamic nature. Due to the broad range of occurred transitions in this area, this study will investigate the occurred transitions in Yemen. This study attempts to investigate the position of Islamism and Islamist groups in Yemen. Although Islamism streams in the region have different movements from Salafism to modernization, Islamism has had a prominent role in the development of Yemen transition. This study also investigates the role of Islamist groups such as Al-Houthi, Zeidi, Jihadi and other Islamic groups in the procedure of Yemen transition. The method of this research is librarian and use of related resources and documents .

Keywords: Middle East, Islamism, Yemen, Zeidi, Al-Houthi, Salafism

فصل اول
کلیات تحقیق

۱- فصل اول

۱-۱- مقدمه

خاورمیانه به عنوان یک منطقه با موقعیت راهبردی در طی سال‌های کنونی دست‌خوش تحولات گوناگونی شده است و حکومت‌های این منطقه با چالش‌های اساسی روبرو شدند و بعضی از این حکومت‌ها نیز سقوط کرده‌اند. یکی از عواملی که باعث ایجاد این تحولات گردیده است رشد اسلام‌گرایی و گروه‌های اسلام‌گرا در این منطقه می‌باشد. هم‌اکنون نیز با وقوع بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه نیاز به شناخت و بررسی اسلام‌گرایی و اسلام‌گرایان در این منطقه از جهان، بیش از پیش احساس می‌شود. نیروهایی که می‌توانند بدیلی برای رژیم‌های مرتجع عربی بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت مردمان خود در ابعاد داخلی و خارجی داشته باشند. یمن نیز به عنوان یک کشور اسلامی در منطقه از این تحولات مصون نبوده است و همراه و هماهنگ با سایر کشورها شعله انقلاب در آن برافروخته شده است.

سؤال اصلی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، این است که اسلام چه نقشی در رخداد این تحولات داشته است به خصوص نقش اسلام و اسلام‌گرایی در تحولات یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پاسخ این سؤال و در واقع فرضیه اصلی پژوهش آن است که با توجه به رشد گروه‌های اسلام‌گرا به خصوص شیعیان زیدی و الحوثی‌ها و القاعده نقش اسلام در تحولات داخلی و چه بین‌المللی یمن پررنگ بوده است. لذا در این پژوهش تلاش شده است که ابتدا رویکردها و گرایش‌های فکری مختلف در باب تحولات منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. و سپس به نقش اسلام‌گرایی و انواع برداشت‌های گوناگون از اسلام در منطقه خاورمیانه اشاره می‌شود. و بیان می‌شود که سه برداشت اسلام میانه‌رو، اسلام سنتی و اسلام سیاسی امت‌گرا در خاورمیانه وجود دارد که هر کدام نمایندگانی دارند. سپس برداشت‌های گوناگونی که متفکران و اندیشمندان چه غربی و چه اسلامی از این حوادث دارند، پرداخته می‌شود. این رویکردها و برداشت‌ها دارای جنبه‌های گوناگونی می‌باشد و عده‌ای این تحولات را بر خواسته از خواست دموکراتیک مردم منطقه یا بیداری اسلامی یا عناوین دیگری می‌دانند. اما عده‌ی زیادی آن را الهام گرفته از انقلاب ایران می‌دانند و در اثبات ادعای خود به بیان شباهت‌های گوناگون میان این تحولات و انقلاب اسلامی ایران می‌پردازند. در بخش دوم به علت شکل‌گیری این تحولات مانند عامل اقتصادی، مذهبی و سیاسی و غیره پرداخته می‌شود. و نقش هر عامل به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل بعدی تحت عنوان اوضاع سیاسی و اجتماعی یمن به کالبدشکافی ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه یمن می‌پردازد دو اشاره می‌شود که جامعه یمن علی‌رغم پایبندی شدید به سنت قبیله‌ای، دارای اقتصاد روبه زوال و به شدت ضعیف می‌باشد و هرچند این کشور دارای منابع نفتی می‌باشد اما به دلیل فساد حاکم بر دستگاه سیاسی این کشور نتوانسته مشکل اقتصادی این کشور را حل کند و در مهم‌ترین فصل به بررسی نقش اسلام و گروه‌های اسلام‌گرا در روند تحولات یمن پرداخته می‌شود.

یمن به عنوان عضوی از جامعه بین‌الملل دارای رابطه با سایر کشورها می‌باشد که این رابطه توانسته بر اوضاع داخلی و خارجی یمن تأثیر بگذارد. هر یک از این کشورها مانند آمریکا (به دلیل مبارزه با تروریسم)، عربستان (به دلیل همسایگی و متأثر بودن از تحولات یمن) و ایران (به دلیل نفوذ مذهبی) به نحوی بر تحولات چه داخلی و چه خارجی یمن تأثیر گذاشته‌اند. و هر کدام با حمایت از گروه خاصی در یمن برای تثبیت نفوذ خود با دیگری در کشمکش می‌باشد. در تحولات یمن نیز همانند سایر کشورهای منطقه، نقش زنان و دانشجویان و جوانان پررنگ می‌باشد با این تفاوت که نقش زنان در سیاست یمن بیشتر از سایر کشورهای عربی می‌باشد. در این نوشتار اشاره می‌شود که نقش اسلام‌گرایان در روند تحولات یمن پررنگ می‌باشد و گروه‌هایی مانند الحوثی و زیدیه و اخوان المسلمین به عنوان داعیان فعال مداخله در سیاست یمن نقش فعالی دارند و گروه‌هایی مانند سلفی‌ها و صوفی‌ها بر طبق آموزه خود از دخالت در سیاست خودداری می‌کنند. اما القاعده به عنوان یک گروه تندرو توانسته سیاست خارجی یمن را تحت تأثیر خود قرار دهد و پای بیگانگان را در امور داخلی یمن باز کند. در این نوشتار عوامل تأثیرگذار بر این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد

و نقش ساختار داخلی جامعه یمن به عنوان عاملی اساسی در رشد این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتها ماحصل بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۲-۱- بیان مسئله

منطقه خاورمیانه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود و نیز دینی و مذهبی، جمعیتی، سرزمینی، نظامی و منابع طبیعی ارزشمند، در درازای تاریخ همواره کانون توجه دول بیگانه و قدرت‌های استعماری بوده است. این منطقه به واسطه موقعیت راهبردی و وضعیت سیاسی حاکم بر آن، عنصر مهم و تأثیرگذار بر معادلات بین‌المللی محسوب می‌شود و همواره صحنه نفوذ و منازعات قدرت‌های بزرگ عرصه بین‌المللی بوده و میزان حضور در این منطقه یکی از عوامل در تعیین میزان قدرت جهانی و موقعیت بین‌المللی قدرت‌های بزرگ در عرصه رقابت جهانی بوده است. ژئوپلیتیک برتر و قرار گرفتن در حد فاصل قدرت‌های بزرگ بین‌المللی، منشأ مواد خام ارزان قیمت برای اقتصاد دنیا و کانون انرژی جهان به خصوص نفت و گاز و بازار بزرگ مصرف تولیدات کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته این منطقه را کانون توجه قدرت‌های بزرگ سیاسی، اقتصادی جهان تبدیل کرده است.

این منطقه به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی و بافت قومی و مذهبی خاص خود همواره در معرض تحولات و کشمکش‌های فراوانی بوده است. این انقلاب‌ها در اثر عوامل مختلف از جمله بحران مشروعیت، ناکارآمدی و استبداد حاکم ایجادشده و وجود حکومت‌هایی گوناگون از قبیل استبدادی (مصر، لیبی، یمن، تونس) و پادشاهی (عربستان، بحرین،...) در این منطقه و از طرف دیگر حاکمیت دین اسلام بر این کشورها باعث شده است که ماهیت این حکومت‌ها از طرف مردم و گروه‌های مختلف در این کشورها زیر سؤال قرار گیرد. که نتیجه آن شکل‌گیری تحولاتی تحت عنوان «بیداری اسلامی» در این منطقه شده است. این تحولات باعث رشد تمایلات اسلام‌خواهی و قدرت یافتن گفتمان‌هایی بود که تحولات در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خود را، با رجوع به متون و جنبش‌های اسلام‌گرا طلب می‌کردند. هرچند غرب تلاش نمود با عطف به چهارچوب ذهنی خود ساخته خویش مبنی بر "الزام رسیدن به دموکراسی، حضور پر قدرت سکولاریسم است"، تحولات کشورهای عربی را صرفاً به خواسته‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرو کاهد. با این حال پیروزی اسلام‌گرایان، نشان از آن داشت که عامل تمایل به اسلام و ارزش‌های اسلامی به مراتب قوی‌تر از آنی است که غرب در ابتدا تصور می‌نمود. یکی از کشورهایی که تحت تأثیر این جریان‌ها قرار گرفته کشور یمن می‌باشد که دارای ویژگی‌های سیاسی و قومی، مذهبی خاص خود نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه می‌باشد. کشور یمن برخلاف سایر کشورهای منطقه دارای بافت قومی و قبیله‌ای پیچیده ای می‌باشد که نقش تأثیرگذاری در تحولات این کشور داشته‌اند. لذا با توجه به نقش اسلام و مسلمان بودن این قبایل که شامل (الحوثی‌ها، شیعیان، زیدیه و اسلام‌گرایان وابسته به عربستان و طالبان) می‌باشند، تحولات رخ داده در این کشور رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد و ایجاد ثبات و آرامش در آینده این کشور به همکاری و هماهنگی این گروه‌ها و قبایل در شکل‌گیری حکومت با ثبات ربط پیدا کند.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

تحولات رخ داده در خاورمیانه دارای دامنه گسترده‌ای می‌باشد که توانسته تأثیرات فراوانی بر روند روابط بین‌الملل و معادلات جهانی داشته باشد. از طرف دیگر به دلیل اسلامی بودن کشورهای منطقه خاورمیانه، اسلام و اسلام‌گرایی نقش به‌سزایی در این تحولات بازی می‌کند. یکی از کشورهایی که از پیامدهای این تحولات در امان نبوده است کشور مسلمان یمن می‌باشد که دارای ساختار پیچیده حزبی و قبیله‌ای می‌باشد. با توجه به مسلمان بودن احزاب و گروه‌های معترض در یمن، تحولات این کشور توانسته توجه کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به خود جلب کند و لذا هر یک از این کشورها (عربستان، ایران، آمریکا) با حمایت از احزاب و گروه‌های اسلام‌گرای یمنی، در تلاش جهت حفظ و گسترش منافع خود در این کشور می‌باشند.

۴-۱- اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق این است که تلاش می‌شود با توجه به اسلامی بودن کشور یمن و شروع اعتراضات و راهپیمایی‌های گسترده که با شرکت گروه‌ها و قبایل مسلمان یمنی در این کشور که به سرنگونی رژیم علی عبدالله صالح منجر شد، نقش اسلام و اسلام‌گرایی بر روند تحولات یمن مورد بررسی قرار گیرد. و از طرف دیگر تلاش می‌شود بر نقش قبایل و گروه‌های اسلام‌گرای یمنی در روند حوادث رخ داده شده در این کشور اشاره شود.

۵-۱- سؤالات تحقیق

- ۱- نقش اسلام و جریان‌ات اسلام‌گرا در تحولات یمن چه بوده است؟
- ۲- اسلام‌گرایی در تحولات منطقه چه جایگاهی دارند؟

۶-۱- فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- با توجه به اسلامی بودن کشور یمن، بعضی از گروه‌های اسلام‌گرای یمنی در تحولات این کشور نقش بسیار زیادی داشته‌اند و تعدادی هم تا زمان رخداد انقلاب رویکردی محافظانه کار داشته‌اند.
- ۲- اگرچه جریان‌ات اسلام‌گرایی در منطقه دارای نحله‌های گوناگونی‌اند اما بعضی از آنها مانند اخوان المسلمین در مصر و زیدیه در یمن توانسته‌اند نقش بارزی در تحولات اخیر ایفا کنند.

۷-۱- پیشینه تحقیق

- دکتر سید امیر نیاکویی (۱۳۹۱)، در کتاب خود تحت عنوان "کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب" به بررسی تحولات اخیر رخ داده در خاورمیانه پرداخته است. نویسنده در ابتدا رویکردها و گرایش‌های مختلفی که در مورد چرایی رخداد داد این تحولات اخیر که در بین اندیشمندان وجود دارد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب با اشاره به اوضاع سیاسی-اجتماعی و اقتصادی به بررسی علل و ریشه‌های انقلاب و خیزش‌ها در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین و سوریه می‌پردازد.
- سید علی‌رضا حسینی عارف (۱۳۹۰)، در کتاب خود تحت عنوان "بیداری اسلامی در بهار انقلاب‌های عربی" به صورت گاه‌شمار به بررسی تحولات و خیزش‌های رخ داده در کشورهای (تونس، مصر، لیبی، یمن) پرداخته است. این کتاب برای بررسی ریشه تحولات اخیر، امپراتوری عثمانی را به عنوان پدر کشورهای عربی مورد بررسی قرار می‌دهد و به نقش عوامل گوناگونی مانند ناسیونالیسم عربی، نیروهای داخلی، نقش صهیونیسم و قدرت‌های استعماری در سقوط عثمانی پرداخته است که باعث ایجاد زمینه‌هایی برای تحولات و خیزش‌های اخیر شده است.
- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (۱۳۹۰) با گردآوری مقالات متعددی تحت عنوان کتابی با نام "خاورمیانه ۸: ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه" پرداخته است. در این کتاب به دسته‌بندی نیروها و مشارکت سیاسی در منطقه می‌پردازد. کتاب حاضر با بررسی و پژوهش ریشه‌های نگرش‌های اسلامی در خاورمیانه، همچنین تفحص دقیق در ساختارها و کارکردهای اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در گذشته و حال این کشورها می‌پردازد. بخش نخست کتاب نگاهی به بن پایه‌های اسلام‌گرایی در تعدادی از کشورهای خاورمیانه دارد و بخش دوم تحولات نوین از سال ۲۰۱۱ میلادی به این سو را از نگاه چهار تن از تحلیل‌گران خارجی به نظاره می‌نشیند.
- دکتر علی‌اصغر افتخاری در کتابی تحت عنوان "بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای" به بررسی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌پردازد. این کتاب متشکل از مقالات گوناگونی می‌باشد. در این نوشته بیداری اسلام و تحولات حاصل از آن را در

کشورهای مصر، لیبی، تونس، بحرین، بیان داشته و به بررسی پیامدهای آن بر همگرایی درون منطقه‌ای می‌پردازد. این کتاب به بررسی بیداری اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا می‌پردازد و منافعی که هر یک از این کشورها از این جریان دارند را بیان می‌کند. در آخر آسیب‌های فرا روی نهضت بیداری اسلامی و تأثیری که بر آینده روابط منطقه و اسرائیل می‌گذارد را بررسی می‌کند.

• فیروزه میر رضوی و بهزاد احمدی لفوریکی (۱۳۸۳)، در این کتاب تحت عنوان "راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس" باهدف آشنا ساختن پژوهشگران و علاقه‌مندان مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی با ویژگی‌ها و مختصات اطلاعاتی منطقه به رشته تحلیل در آمده است. در بخش دوم کتاب هفت کشور از جمله یمن با شاخصه‌هایی مانند توجه به اطلاعات عمومی، تحلیل ساختار سیاسی و نوع روابط قوا، تعمق در ماهیت روابط خارجی کشور، بررسی آماری و اطلاعاتی توان نظامی، اقتصادی-مالی و نهایتاً نگاهی اجمالی به فرهنگ و آداب و رسوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• انتشارات بین‌الحرمین (۱۳۸۴)، در کتابی تحت عنوان "داستان غریبان" به بررسی وضعیت شیعیان زیدی و اثنی عشری در یمن می‌پردازد. در این اثر، نخست پیشینه‌ای تاریخی از زندگی شیعیان زیدیه و اثنی عشری یمن و مشترکات این نمونه ارائه شده و سپس به معرفی خاندان الحوثی که جزو علما و سران نظامی و علمی شیعیان یمن می‌باشند، پرداخته شده و اقدامات نظامی گروه شیعه الحوثی علیه حکومت مرکزی یمن در منطقه صعده و موقعیت جبهه‌ها و جنگ‌های متعدد دولت یمن علیه شیعیان صعده به تصویر کشیده شده است. نگارنده به ابعادی از مظلومیت شیعیان منطقه صعده یمن اشاره کرده و علت درگیری‌های متعدد آنان با دولت یمن و نقش وهابیان عربستان و آمریکا در تشدید درگیری‌های آنان با دولت را بررسی نموده است.

• دکتر محمود واعظی با کتابی تحت عنوان «بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه‌ها و روندها» به بررسی انقلاب‌های خاورمیانه و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. نویسنده در این کتاب ابتدا بحران‌های اجتماعی که باعث انقلاب می‌شود می‌پردازد و سپس متون کلاسیک در مورد این بحران‌ها را بررسی می‌کند. در فصلی از این کتاب نویسنده به جامعه‌شناسی دولت‌های خاورمیانه می‌پردازد و به عوامل و شرایط شکل‌گیری دولت در این منطقه و عوامل مؤثر بر رشد و شکوفایی دولت‌های برخوردار از منابع نفتی می‌پردازد.

در این کتاب به بررسی جنبش‌های جدید شکل‌گرفته در خاورمیانه و تأثیرات آن‌ها به شکل‌گیری جامعه مدنی در کشورهای خاورمیانه پرداخته می‌شود. این کتاب ضمن ذکر عوامل و چرایی شکل‌گیری این جنبش‌ها به نقش گروه‌های خاص اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین جریان سلفی نیز اشاره می‌شود و در آخر نیز چشم‌اندازی از آینده تحولات منطقه را ارائه می‌کند. انتقادی که به این کتاب وارد است این است که این کتاب بیشتر از دریچه نظریات بحران به تحولات خاورمیانه نگاه می‌کند و در سطحی گسترده و پراکنده به نقش این بحران‌ها اشاره می‌کند.

هر یک از کتب و نوشته‌های ارائه شده دارای نواقصی در توضیح چرایی رخداد و حوادث منطقه، به خصوص انقلاب یمن می‌باشد و یا همزمانی با شکل‌گیری تحولات اخیر ندارند و قدیمی می‌باشند. بدون شک در شکل‌گیری یک تحول یا انقلاب عوامل متعددی دخیل می‌باشد و صرف تکیه بر یک عامل و رد عوامل دیگر نگرشی یک سویانه و تک بعدی به تحولات موجود می‌باشد. تحقیق حاضر ضمن پرداختن به برداشت‌ها و عوامل گوناگون در شکل‌گیری تحولات منطقه به خصوص یمن، نقش اسلام و گروه‌های اسلام‌گرا مورد بررسی قرار می‌دهد.

۸-۱- روش تحقیق

روش استفاده شده در نگارش این پایانامه ، روش توصیفی _تحلیلی می باشد.

۹-۱- تنگناهای تحقیق

با توجه به تحولات رخ داده در کشور یمن و شیعه بودن شماری از قبایل این کشور، ضرورت تحقیق در مورد این کشور را بیشتر می کند، اما متأسفانه تا به حال کتب و منابع به روزی در مورد تحولات یمن و قبایل گروه های اسلام گرای یمنی وجود ندارد و تمام کتب موجود به صورت اجمالی و پراکنده به این تحولات پرداخته اند. لذا کمبود منابع یکی از مشکلات جدی این تحقیق بوده است.

۱۰-۱- سازمان دهی تحقیق

تحقیق حاضر در قالب پنج فصل تنظیم شده است؛ در فصل اول کلیات تحقیق که شامل مقدمه، بیان مسئله، سؤال و فرضیه، اهمیت و اهداف تحقیق حاضر و پیشینه تحقیق پرداخته شده است. در فصل دوم تلاش شده است تا در مورد تحولات منطقه، رویکردها و گرایشات فکری مختلفی که معتقد به بیداری اسلامی، بیداری انسانی، اسلام گرایی و سکولاریسم می باشند مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در فصل سوم اوضاع اجتماعی -سیاسی یمن و جامعه شناسی انقلاب اخیر یمن مورد بررسی قرار گیرد در این فصل به تاریخچه یمن، اوضاع اقتصادی، روابط خارجی یمن و جامعه شناسی گروه ها و احزاب حاضر در این انقلاب اشاره می شود. در فصل چهارم بر نقش اسلام گرایی و گروه های اسلام گرا که شامل الحوثی ها، شیعیان زیدیه، جدایی طلب های جنوبی و القاعده و گروه های هم سو و مبانی و برداشت های هر یک از این گروه ها اشاره می شود. در پایان نیز نتایج و یافته های تحقیق در قالب فصل پنجم بر شمرده شده است.

فصل دوم

تحولات منطقه: گرایش‌ها و رویکردهای فکری مختلف

۲- فصل دوم

۲-۱- بخش اول

۲-۱-۱- اسلام‌گرایی در خاورمیانه

آن چه امروز از آن با عنوان گفتمان سیاسی یاد می‌شود، معطوف به اسلام سیاسی است و گرایش‌های گوناگونی در درون خود دارد که گاهی باهم به مرحله تضاد نیز می‌رسند. اسلام محافظه‌کار سنتی (عربستان)، اسلام سیاسی مدنی (ترکیه)، اسلام سیاسی امت‌گرا (ایران) و اسلام سیاسی بنیادگرا یا تندرو (القاعده). چهار گرایش مهم اسلام‌گرایی هستند که هر کدام گفتمان حاملان خاص خود را دارند. محمد ایوب آن‌ها را در قالب گرایش انقلابی، انتقادی، مدرن و محافظه‌کار و بنیادگرا طرح می‌کند. هر یک از آن‌ها در جهان اسلام، جایگاهی دارند و در بهار عربی فعال بوده و از آن تحولات برای تقویت گفتمان و نبردهای خود استفاده می‌کنند. در جهان عرب و در میان کشورهای مصر، تونس، یمن و سوریه احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا ریشه‌های عمیق تری دارند. اخوان المسلمین بزرگ‌ترین و بانفوذترین گروه اسلامی این کشورهاست که دارای گرایش‌های گوناگون در درون خود می‌باشد. این گروه تاکنون، در جایگاه اداره جامعه قرار نگرفته و همواره به عنوان نیروی مخالف دولت حاکم ظاهر شده است. (یزدان فام، ۱۳۹۰، ۶۰)

در بهار عربی اخوان المسلمین متشکل‌ترین گروه در میان انقلابی‌ها به شمار می‌آید. مهم‌ترین ادعای گفتمان اسلام‌گرایی در برابر مسائل و مشکلات جوامع عربی، نفی نظام‌های استبدادی و فاسد این کشورها، حمایت از مردم فلسطین و مخالفت با هرگونه سازش و برقراری رابطه با اسرائیل و تشکیل حکومت اسلامی، در طیف گسترده‌ای از اندیشه‌های اسلامی و متفکران گوناگون انقلابی، انتقادی، مدرن، محافظه‌کار و بنیادگرا وجود دارد و از میان آن‌ها اسلام میانه رو و سازش‌کار با مظاهر نوگرایی در تحولات جهان عرب نقش برجسته‌ای ایفا کرده است.

به رغم هشدار برخی مجری‌های تندرو نسبت به پیروزی اسلام‌گرایان در جهان عرب، این اسلام‌گرایان میانه رو هستند که در مرکز گفتمان اسلامی جهان عرب قرار دارند. رهبران جریان‌های اسلام‌گرا متوجه شده‌اند که پیروزی بر رژیم‌های استبدادی غرب‌گرا که رابطه بسیار خوبی با قدرتهای بزرگ جهان دارند، بدون ارائه چشم‌اندازی اطمینان‌بخش از آینده این کشورها برای حامیان خارجی‌شان ممکن نیست. قدرت‌ها بزرگ، نگران تهدیدات اسلام‌گرایان تندرو هستند. آن‌ها یک دهه است که درگیر جنگ علیه القاعده و طالبان در افغانستان و دولت‌های شکننده دیگر از شمالی تا یمن و عراق و پاکستان هستند و پیدایش فرصت‌های جدید در کشورهای جهان عرب برای این نوع گروه‌های اسلامی، می‌تواند برای غرب پر مخاطره باشد. در چنین وضعیتی، رهبران گروه‌ها و احزاب اسلام‌گرا در جهان عرب می‌کوشند چهره‌های میانه رو از خود نشان دهند تا بتوانند حمایت بین‌المللی را به همراه داشته باشند و دولت‌های مستبد را منزوی و تسلیم کنند. دولت‌های غربی به ویژه آمریکا نیز تلاش می‌کند تا سیاست محتاطانه‌ای را در پیش بگیرند تا متهم به حمایت از رژیم‌های استبدادی و مخالفت با جریان‌های مردمی در جهان عرب نشوند. (همان، ۶۲)

گرایش‌های اسلام‌گرایی که بر مسئله و مشکل اساسی جهان عرب یعنی عقب‌ماندگی نظر دارند، ناگزیر به بهره‌گیری از الگوها و افراد موفق در این زمینه هستند و می‌کوشند از تندروی پرهیز کرده و پیوندهای خود را با بروکرات‌هایی که تجربه و سواد توانمندی بیشتری برای اداره جامعه دارند، حفظ کنند. درعین حال مهم‌تر از پیوند سیاسی میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، توانایی ارائه قرائتی از اسلام و مردم‌سالاری است که بتواند اصول و ارزش‌های بنیادی هر دو گفتمان را حفظ و آن‌ها را در کنار هم داشته باشد.

گروه‌های اسلامی به ویژه در مصر و تونس دریافته‌اند که نمی‌توانند بدون همکاری با گروه‌های بروکرات، گفتمان خود را در موقعیت بالاتری قرار دهند. آن‌ها گفتمان خود را ضدیت با نظام‌های استبدادی و فساد در عرصه داخلی و ضدیت

با اسرائیل در عرصه بین‌المللی تعریف می‌کنند. عناصر بین‌المللی قوام‌بخش به گفتمان‌های آن اغلب ایجابی است و همکاری با جامعه بین‌الملل یکی از اجزای بسیاری از گرایش‌های اسلامی است که در این جوامع فعال‌اند و در کنار هم گفتمان اسلامی را تشکیل می‌دهند. البته اسلام‌گرایان تندرو نیز در بهار عربی حضور دارند و در برخی از کشورها، موقعیت نسبتاً خوبی کسب کرده‌اند، اما شواهد تجربی نشان‌دهنده افول گفتمان اسلام‌تندرو در میان کشورهای مسلمان عرب است. بهار عربی نشان داد توده‌های مردم نه تنها در قیام علیه نظام استبدادی تمایلی به گروه تندرو القاعده و اقدامات راهبردی آن‌ها ندارند، بلکه به صورت مستقیم، گفتمان آن‌ها را به چالش کشیده و گفتمانی متفاوت و حتی متعارض ارائه می‌دهند. (Zaratr&Bordon, 2011)

در میان کارگزاران و بازیگران گفتمان اسلام‌گرایی، علاوه بر نیروهای محافظه‌کار (حزب عدالت و توسعه) نیروهای تندرو هم حضور دارند. برجسته‌ترین این نیروها در جهان عرب، القاعده می‌باشد. آن‌ها در سال ۲۰۰۵ مناظره کلامی با دولت آمریکا در خصوص اصلاح خاورمیانه شروع کردند. آن‌ها بر این امر تاکید داشتند که انجام اصلاحات در خاورمیانه باید بر پایه احیا و اجرای احکام شرع اسلامی باشد. این امر بدون خروج نیروهای صلیبی از منطقه و پایان دادن به اشغال کشورهای اسلامی از سوی آمریکا میسر نیست؛ بنابراین در گام اول باید مسلمانان جنگ مقدسی بر علیه نیروهای آمریکایی شروع کنند و پس از آن است که اصلاحات در خاورمیانه عملی خواهد شد. (Zarate and Bordon, 2011, 103)

تحولات بهار عربی با نگاه و راهبرد القاعده به کلی متفاوت است و به تعبیری «بهار عربی، زمستان القاعده است». در عین حال شکست انقلاب‌های عربی یا تداوم بحران در این جوامع، می‌تواند به تقویت دوباره قرائت القاعده از اسلام و خرده گفتمان‌های آن در برابر سایر گفتمان‌های اسلامی و غیر اسلامی بینجامد و نیروی تازه به این گروه و طرفداران آن بدهد.

گفتمان اسلام‌گرایی محافظه‌کار، یکی از مهم‌ترین گفتمان‌هایی است که در تحولات جهان عرب مناسب‌ترین موقعیت برای تبدیل شدن به گفتمان مسلط را دارد. طرح نظریه سازگاری اسلام با دموکراسی از سوی جریان‌های اسلامی مهم در مصر، تونس، لیبی و مخالفت با جریان‌های تندرو در این کشورها و حتی طرح اسلام مدنی از سوی برخی از احزاب اسلام‌گرای منطقه، نشان‌دهنده مفصل‌بندی جدید در درون گفتمان اسلام سیاسی در منطقه است. به نظر می‌رسد نفی حکومت‌های فاسد کنونی، اجرای احکام شرعی در جامعه، ایجاد حکومت‌های مبتنی بر رأی و مشارکت مردم، حل و فصل معضلات و مشکلات عقب‌ماندگی جامعه، نفی رابطه با اسرائیل حمایت از حقوق مردم فلسطین و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با جامعه بین‌المللی از موضع کشوری مستقل و بازسازی روابط با جمهوری اسلامی ایران از جمله اجزای گفتمان سیاسی جدید شکل گرفته از میان تحولات جهان عرب می‌باشد. (یزدان فام، ۱۳۹۰، ۶۶)

از دیگر گفتمان‌های حاضر در تحولات جهان عرب اسلام‌گرایان سلفی هستند که گفتمان خود را بر پایه بنیادگرایی و ضدیت با تمدن جدید ساخته‌اند. گفتمان آن‌ها پیش از این که ایجابی باشد، سلبی است و از این رو به شدت در جهان عرب آسیب‌دیده و در صورت تداوم کارآمدی قدرت نرم در منطقه و عدم توسل به ساز و کارهای سخت‌افزاری در برخورد با تحولات، گفتمان آن‌ها امکان بازسازی کمتری خواهد داشت و بیش از پیش موقعیت خود را از دست خواهند داد.

۲-۱-۲- تحلیل مفهومی بیداری اسلامی

شک نیست که پدیده بیداری اسلامی، پدیده‌ای گسترده و رایج و دارای معاهد و ظواهر متعدد است و نقطه مشترک همه آن‌ها را در دشواره هویت و تمایز گرایی می‌توان مشاهده کرد. در مورد بیداری اسلامی بایستی به یک نکته بسیار مهم و کلیدی اشاره کرد و آن این است که بیداری اسلامی بخشی از یک پروسه روشنفکری و خیزش در میان امت اسلامی که نهایتاً آن‌ها را به استقلال فکری و فرهنگی از قبیل تشکیل حکومت اسلامی می‌رساند. در حقیقت می‌توان بیداری اسلامی را به نوعی خودآگاهی تمدنی مسلمانان در دوره معاصر تعریف کرد که بر اساس آن مسلمانان با درک وضعیت اسفناک امروزی، به دنبال بازیابی وضعیت مطلوبی هستند که در دوره شکوفایی تمدن اسلامی به آن دست یافته بودند. گام اول برای نیل به این منظور در واقع کسب استقلال فکری، فرهنگی و تمدنی از اول استعمارگراست. (اراک، ۱۳۸۱، ۲۱-۲۲)

بیداری اسلامی نگاهی فراگیر به مشکلات و ناهنجاری‌های ممالک عربی و اسلامی دارد. تکامل اصلی و ویژه‌ای که گستره گذشته، عرصه حاضر و افق آینده را در بر می‌گیرد. بیداری اسلامی دیدگاه خود را در راستای نجات ممالک عربی و اسلامی در قالب طرح و برنامه‌ای سازنده و همه‌جانبه ارائه می‌نماید و برنامه‌ای که اطمینان خاطر و امید را برای افراد و رویکرد واقعی را به امت اسلامی بازمی‌گرداند و آن را به سوی استقلال فرهنگی و شخصیت تاریخی و تمدن خاص خود راهنمایی می‌کند و ایمان استوار و دانش پیشرو را در کنار هم قرار می‌دهد. (قرضاوی، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۷۴)

بر اساس آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که الگوی تکامل یافته بیداری اسلامی در اسلام سیاسی نهفته است، به عبارت دیگر عبور از مراحل نظری و تئوریک و ورود به عرصه عملی به نوعی اسلام سیاسی متولد می‌شود. در اسلام سیاسی، اسلام به ایدئولوژی برای مقاومت، مقابله با مبارزه و انقلاب جهت تغییر و براندازی نظم موجود داخلی و بین‌المللی و نیز طراحی در انداختن استقرار و برقراری نظم نوین مبتنی بر اسلام برای ساختن جامعه و حکومتی اسلامی تبدیل می‌شود. در نتیجه اسلام سیاسی مولود جامعه مدرن و متجدد و یا به عبارت دیگر از نتایج راه یافتن تجدد در جوامع اسلامی است.

اسلام سیاسی هم نوعی مقاومت است ولی نه باهدف بازگشت به گذشته و هم نوعی نوآوری است، از آن جهت که با تکیه بر ارزش‌های اصیل به آینده نگاه می‌کند. اسلام‌گرایان خصوصاً رهبران آن‌ها نیروهایی از لایه‌های سنتی جامعه اسلامی نیستند بلکه بر عکس، در عین حضور تعدادی از علمای در میان آن‌ها، اکثر آن‌ها افراد تربیت یافته نظام آموزشی جدید این جوامع هستند که در رشته‌های مختلف علوم نوین تحصیل کرده‌اند و با اقشار و طبقات متوسط، خصوصاً طبقه متوسط جدید و شهری تعلق دارند. آن‌ها اسلام را نه تنها راه‌حلی برای جوامع اسلامی بلکه راه‌حلی برای بشریت امروز، خصوصاً انسان غربی مادی زده می‌دانند. اسلام سیاسی مبلغ و مروج معنویت، عدالت، استقلال، آزادی و نوآوری است. اسلام سیاسی تکیه‌گاه، راه حل و برنامه‌ای برای بازیابی و بازسازی هویت در جوامع اسلامی است. اسلام سیاسی در صد است جامعه و حکومت را بر اساس اصول اسلامی بازسازی کند. (قطب، ۱۳۷۴، ۳۲)

۲-۲-۱- رویکردهای مختلف در باب تحولات منطقه

جنبش‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین تنش‌های جمعی سازمان‌یافته برآمده از متن جامعه است که با طرفداری یا طرح گفتمانی خاص، بخشی یا تمام افراد یک جامعه را برای تغییر و اصلاح جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی (اعم از سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ...) تهییج وسیع می‌نماید. در جوامع جدید، جنبش‌های اجتماعی به صورت یکی از گروه‌های واسط و میانجی هستند که موجب نوعی شعور و آگاهی جمعی در یک جامعه یا بخشی از افراد آن می‌شوند. افراد جامعه نیز از طریق همین جنبش‌ها است که می‌توانند منافع و حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کرده یا به دست آورند؛ و با فشاری که از طریق جنبش‌ها بر قدرت و نخبگان سیاسی جامعه خود وارد می‌کنند، ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود را محقق نموده و بدین طریق در تنش تاریخی جامعه خود مشارکت می‌جویند. همچنین این جنبش‌ها موجب تحول ذهنی و شکل‌گیری یک ایدئولوژی و یا تربیت نخبگان جدید برای جامعه می‌گردد که این افراد ممکن است در آینده جزء رهبران تأثیرگذار جامعه خود گردند.

رهیافت‌های مختلفی برای تحلیل علل پیدایش جنبش‌های اجتماعی مطرح است. برخی از این رویافت‌ها در تحلیل علل شکل‌گیری این جنبش‌ها بر شرایط داخلی همچون شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی جوامع تأکید دارند و برخی دیگر به تحول ذهنی و شکل‌گیری یک ایدئولوژی و یا تعدد رهبران سیاسی تأکید دارد؛ و گروهی دیگر از محققان عوامل خارجی و بین‌المللی و جهانی‌سازی را مؤثر در شکل‌گیری این تحولات می‌دانند. (فوزی، ۱۳۹۰، ۱۸)

خاورمیانه هم به دور از تحولات این جنبش‌ها نبوده است. به خصوص تحولات جنبش‌های اسلام‌گرا برای دستیابی به اهداف خود؛ اما این تحولات، جنبش‌ها نیز باعث ایجاد برداشت‌های گوناگون نزد افکار عموم و محققان شده است و باعث شده که از دیدگاه‌های مختلف چرایی شکل‌گیری این تحولات مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش به رویافت‌های گوناگون در باب چرایی رخ داد تحولات منطقه می‌پردازیم.

۲-۲-۱-۱- تحولات منطقه در قالب فرآیندهای کلان جهانی شدن و گسترش ارتباطات، نوگرایی

بنا بر این رویکرد، تحولات اخیر جهان عرب را باید در قالب فرآیندهای کلان جهانی شدن، عصر ارتباطات و گسترش الگوهای حاکم عملی و ذهنی کنش اجتماعی و سیاسی با جوهره‌ای مدرنیستی تبیین نمود. به این معنا که فناوری‌های مدرن در هزاره سوم میلادی شرایطی را فراهم کرده‌اند که تحت این شرایط، زمان، مکان و فضا دچار انقباض شده و جایگاه نخستین خود را از دست داده‌اند. تا جایی که ما با پدیده مرگ جغرافیا روبه رو هستیم. امروزه با انقلاب اطلاعاتی، ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که آنتونی گیدنز آن را "از جا کنده‌گی" می‌نامد. این مفهوم به این معنا است که در عصر اطلاعات آن چنان توانایی حرکت و جابجایی فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها میسر شده است که عملاً اندیشه و فرهنگ، بی‌سرزمین گشته و خود را از زندان زمان و مکان رهانیده است. در چنین شرایطی است که ارزش‌های مدرنیستی سوار بر امواج فرایندهای حاصله از جهانی شدن به خاورمیانه رسیده است و شدت این امواج سدهای قدیمی را که گذشتگان در این منطقه پی افکنده بوده‌اند را یکسره از جا کنده است. البته این امواج هرچند به لحاظ ماهوی بعد زمان و مکان را در می‌نورند، اما با این وجود نزدیکی و دوری به این امواج، همواره متغیری اساسی بوده است تا جایی که ما می‌توانیم

از دومینوی نوگرایی سخن بگوییم. بدان معنا که هرچقدر کشوری بیشتر و زودتر در دایره جهانی شدن قرار بگیرد به همان میزان این هم جواری بران تأثیر می‌گذارد. (صادقی زاده، ۱۳۹۰)

ورود آرمان‌هایی نظیر آزادی سیاسی، دموکراسی واقعی، عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی نوعی توقعات فزاینده را ایجاد کرده است که ارضاء آن‌ها خارج توان نظام‌های سنت گرای منطقه می‌باشد. در واقع مردم منطقه انتظار داشتند در کشور آن‌ها نیز همچون برخی از کشورهای پیشرفته، آزادی بیان هرچند نسبی برای مخالفان در کشورهای منطقه نظیر تونس، مصر وجود داشته باشد و بتوانند در کشور خود دموکراسی واقعی را تجربه کنند. هرچند در کشور لیبی انتخابات وجود داشت اما این انتخابات نمادین بود و نهایتاً کسانی رأی می‌آوردند که حاکمان به آن‌ها تمایل بیشتری داشتند. بر اساس این دیدگاه، ریشه‌های این انقلاب‌ها را نه در درون خود این کشورها و نه حتی در سایه منافع قدرت‌های بزرگ، بلکه در جوار فهم فرایندهای رو به گسترش جهانی شدن باید درک کرد. جالب آن که این کشورها به لحاظ ژئوپلیتیک نیز از سایر کشورهای اسلامی به قاره اروپا و به تبع آن به اندیشه‌های نوگرایی نزدیک تر بوده‌اند. کشورهای مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش که همه در نوار شمالی قاره آفریقا قرار دارند در سال ۲۰۱۱ میلادی دست‌خوش تحولات عمیقی بودند. اما از آنجایی که حاکمان مراکش با درایتی بالا شرایط را درک کردند به سرعت و پیش از آن که تحولی جدید در این کشور صورت گیرد قانون اساسی خویش را اصلاح کرده و بندهایی را که آزادی سیاسی و دموکراسی واقعی ممانعت به عمل می‌آورد جرح و تعدیل کردند.

در الجزایر نیز روند تحولات مانند تحولات مراکش بود. اما در سه کشور دیگر تقدیر به گونه‌ای دیگر رقم خورد، همزمان با این نگاه کوتاه ژئوپلیتیک به جامعه‌شناسی تاریخی این کشورها نگاه کنیم. این کشورها اولین کشورهای آفریقایی بودند که تحت استعمار قرار گرفتند. مصر مستعمره انگلستان، لیبی مستعمره ایتالیا و تونس و الجزایر و مغرب مستعمره فرانسه شدند. این رویارویی باعث ایجاد تحول طلبی در این کشورها شد.

تحولات جهان عرب، اولین جرقه‌های تحول طلبی را در ذهن مردمان این کشورها روشن نمود. جرقه‌ای که سال‌ها بعد و در جستجوی فواید نوگرایی سر بر کشید. لذا تحولات جهان عرب را می‌توان در ساختاری به هم پیوسته و در پارادایمی جهانی فهمید. (همان، ۱۳۹۰)

گسترش ارتباطات جمعی خود به گونه‌ای بر ایجاد و گسترش انقلاب در این کشورها تأثیر گذاشته است. شبکه‌های اجتماعی همچو فیسبوک و تویتر و یوتوب به گونه‌ای روزافزون مایه سرگرمی جوانان در این کشورها شده است. تکنولوژی‌های ارتباطی مانند ماهواره و تلفن همراه و ... که تازه‌ترین نمونه‌های آن‌ها در دسترس جوانان از طبقه متوسط در جهان عرب است، راه را برای پیوندهای فرهنگی - سیاسی بیشتر با جهان می‌گشاید. جوانان با فیلم‌های موبایلی و از طریق سایت‌ها و وبلاگ‌های شخصی خود، اعتراضات خود را در خیابان‌های شهرهای مختلف تونس، مصر، یمن و ... را به سمع و نظر هم وطنانشان و حاکمان و مخاطبان رسانه در سایر کشورهای مختلف می‌رسانند. (اکبری کریم‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۰۵)

۲-۱-۲- رویدادهای خاورمیانه به مثابه نظریه برخورد تمدن‌ها

در این رابطه می‌توان به دیدگاه‌های حزب التحریر و القاعده و سلفی تأکید کرد. این گروه‌ها معتقدند که رهبران سیاسی در پی اطاعت و پیروی از تمدن غرب هستند و تمدن اسلام تحت شعاع تمدن غرب در حال نابودی است. و معتقدند تحولات رخ داده در منطقه زنده کردن دوباره برخورد تمدن‌ها و دنیای غرب و اسلام می‌باشد.